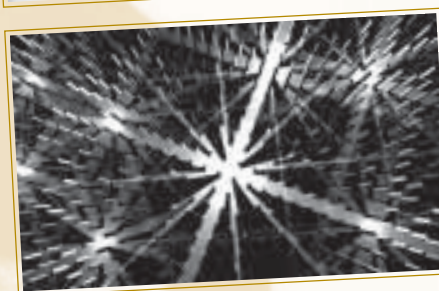




# پویانمایی

- این جمعیت از کجاست
- می‌خواهیم ماندگار شویم
- زنگوله و پراگ و مقدم و من
- فاصله میان دو نسل
- مثل تلخی دارو
- دنبال معنی نباشید
- باد سوزان جزیره هنشو



## حرف چهارم

هنر پویانمایی، مثل هنرهای دیگر، در زمان جاری است. بنابراین اگر چه در شمال بیرونی وابسته به ابزار بیانی زمانه خویش است، اما از درون پیوستگی تام با اندیشه هنرمند دارد. یک روز ساده‌ترین عناصر طبیعت مثل شن و شیشه و سنگ برای سخن گفتن با آن کافی است و روز دیگر، رویاهایش حتی به یاری پیچیده‌ترین تجهیزات هم به تصویر نمی‌آید. مفهومی است که گوناگونی و تنوع مصداق‌هایش به شاخصه‌های متعددی مربوط می‌شود. پس همان قدر که چشم پوشیدن بر ابزارهای نوین و اصرار بر روش‌های سنتی می‌تواند نادرست باشد، دلخوش بودن به طیف وسیع امکانات روزآمد بدون توجه به ضرورت پردازش‌ها و صیقل‌های ذهن پرسشگر هنرمند، توهمی بیش نیست.

پویانمایی در زمان جاری است - فارغ از آمد و رفت ابزارها و شیوه‌ها - و بی تردید آن چه می‌ماند و می‌بالد، اندیشه است و بس.

# این جمعیت از کجاست

## دستمان به شما نمی‌رسد

گفتگو با دیوید چانگ

پروفسور دیوید چانگ مدرس انیمیشن دیجیتال در دانشگاه ویرجینیا امریکا، میهمان افتخاری سومین دوره جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران است. او در سومین روز جشنواره کارگاهی را تحت عنوان انیمیشن دیجیتال برگزار کرد که با استقبال علاقه‌مندان مواجه شد. در این نشست او با تشریح روش روتو اسکپی، ابعاد مختلف تلفیق شیوه‌های سنتی و روش‌های دیجیتال را با ارائه نمونه‌های عملی توضیح داد. با او گفتگوی کوتاهی داشته‌ایم که می‌خوانید.



استقبال از برنامه‌های سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران روند رو به رشدی را طی می‌کند. تراکم جمعیت علاقه‌مند و حضور تماشاگران در بعضی از نوبت‌های نمایش گاه به اندازه‌ای است که گروهی از افراد ناگزیر ایستاده به تماشای فیلم‌ها می‌پردازند. به نظر می‌رسد بخش‌هایی نظیر جشنواره جشنواره‌ها، منتخب تماشاگران و مسابقه بین‌الملل از حیث جلب مخاطب موفقیتی بیش از سایر برنامه‌ها داشته‌اند. حضور فیلم‌های برجسته‌ای که هر یک در جشنواره‌های جهانی خوش درخشیده‌اند، برای مخاطبی که فقط به شنیدن نام آنها در نشریات یا سایت‌های اطلاع‌رسانی خوگرفته است، از عمده دلایل این استقبال به شمار می‌آید.

شایان ذکر است در سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران برنامه‌ها از ساعت ۸/۳۰ صبح آغاز می‌شوند و تا ساعت ۱ بامداد ادامه می‌یابند. به همین منظور سالن اصلی، سینما کانون و سالن شماره ۲ با فراهم کردن ۷۷ نوبت نمایش برنامه‌ها را در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهند.

## عروسک‌ها به راه افتادند

عروسک‌های خمیری مریبان کانون که دوره آموزشی جشنواره را می‌گذرانند، جان می‌گیرند. بعد از گذشت سه روز از برگزاری این کلاس، مریبان موفق به ساخت سر، گردن، دست و پا برای عروسک‌های خود شدند و خمیرهای بی‌جان کم‌کم شکل عروسک به خود گرفته و جان می‌گیرند. گفتنی است این کلاس‌ها هر روز در محل جشنواره برپا می‌شود و مدرس آن عبدالله علیمراد است.

## دانش‌آموزان مشتاق در جشنواره

از همان روز اول جشنواره تاکنون دانش‌آموزان مدارس مختلف برای تماشای فیلم‌های انیمیشن علاوه بر جشنواره در محل سینما کانون واقع در خیابان خالد اسلامبولی حضور یافته‌اند. در این سینما فیلم‌های کوتاه انیمیشن کودکان و فیلم‌های بلند شاهزاده مونونوکه، شهر اشباح، انگشتر سحرآمیز و خورشید مصر، جشنواره جشنواره‌ها و بخش‌هایی از مسابقه بین‌الملل به نمایش در می‌آید.

استقبال خوب کودکان و نوجوانان که تا امروز از طریق مدارس و یا همراه با خانواده‌های خود برای دیدن انیمیشن‌های جشنواره به سینما کانون آمده‌اند، نشانگر علاقه مخاطبان به خصوص این گروه سنی به دیدن انیمیشن در سینماست. گفتنی است بسیاری از کودکان علاقه خاصی به دیدن انیمیشن‌های ایرانی نشان می‌دهند و حتی خواستار دیدن مجدد این فیلم‌ها هستند.



انیمیشن‌های ایرانی چگونه بود؟ از آن تعدادی که دیدم بسیار لذت بردم و حتی می‌شود گفت متعجب شدم. فیلم‌ها با روش‌ها و موضوع‌های مختلف ساخته شده بودند. هیچ کدام کپی دیگری نبودند و همه اصالت خودشان را حفظ کرده بودند. در ضمن روابط بین شخصیت‌ها در فیلم بسیار جالب بود. از نظر بهره‌گیری از تکنولوژی انیمیشن‌های ایرانی در چه سطحی بودند؟

من همه فیلم‌ها را ندیدم، ولی در بیش‌تر آنهایی که دیدم تکنولوژی نقش پررنگی نداشت. فیلم‌هایی هم مثل فیلم خودم پیدا کردم که طرح‌های بسیار قشنگی داشت و خوب هم کار شده بود.

بعضی از انیماتورهای قدیمی معتقدند ورود کامپیوتر به انیمیشن اصالت این هنر را از بین برده است. کامپیوتر و بحث دیجیتال شدن فیلم‌ها فقط یک ابزار جدید برای کار است و ماهیت انیمیشن را زیر سوال نمی‌برد. نگاه و تفکر انیماتور سر جای خودش است. به نظر من باید کار دستی و کامپیوتری را با هم تلفیق کرد.

نظراتان درباره این جشنواره چیست؟

خیلی خوب بود. به نظرم این فیلم‌ها را جای دیگر نمی‌شود دید. فکر می‌کنم تهران تنها جایی بود که می‌شد این انیمیشن‌ها را دید. ما از طریق تلویزیون و ویدیو نمی‌توانیم به این فیلم‌ها دسترسی پیدا کنیم. حداقل می‌توان گفت این جشنواره بهترین مکان برای دیدن انیمیشن‌های ایرانی است که دسترسی به آنها در جای دیگر بسیار سخت است.

## یکی کم است

مهلت زیادی برای دیدار از نمایشگاه و استفاده از امکاناتی که در آن فراهم آمده، باقی نمانده است. این در حالی است که طیف وسیعی از فعالیت‌های آموزشی، انتشاراتی و فنی در زمینه پویانمایی در غرفه‌های مختلف نمایشگاه به معرض نمایش گذاشته شده است.

به علاوه تنوع برنامه بسیاری از غرفه‌ها به نحوی است که هر روز برنامه متفاوتی برای علاقه‌مندان این هنر صنعت به اجرا در می‌آید و به همین دلیل در هر روز بازدید از نمایشگاه می‌توان تنها با بخشی از برنامه‌ها و امکانات موجود آشنا شد. بنابراین به نظر می‌رسد نمی‌شود به یک بار بازدید اکتفا کرد و باید حتی از فرصت‌های کوتاه هم برای رفتن مجدد به نمایشگاه بهره برد.



# می خواهیم ماندگار شویم

گفتگو با مهرداد علمداری مدیر مسوول نشریه پیلبان



ماهانامه پیلبان تنها نشریه تخصصی در زمینه انیمیشن در ایران است که اسفند ماه امسال دوازدهمین شماره آن منتشر می شود. به همین بهانه با مهرداد علمداری مدیر مسوول پیلبان گفتگویی داشته ایم که خواندن آن خالی از لطف نیست.

## به طرف نمایشگاه



در فضای نمایشگاه، غرفه جشنواره دانشجویی نمایش عروسکی همراه با عروسک های متنوع خود به چشم می خورد. در این غرفه کتاب های مختلف در زمینه نمایش عروسکی با ده درصد تخفیف ارابه می شود و علاقه مندان می توانند عروسک های مورد نظر خود را برای ساخت سفارش دهند.

غرفه واحد تولیدات رایانه ای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان (مرکز سرگرمی های سازنده)، سرگرمی ها و محصولات رایانه ای خود را با بیست درصد تخفیف به فروش می رساند.

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی با ارابه تعدادی از کتب و نشریات خود در نمایشگاه حاضر شده است. نشریه سینما حقیقت و چندین جلد کتاب در زمینه فیلمنامه نویسی، کارگردانی و سینمای مستند عمده ترین محصولات ارابه شده در این غرفه هستند.

دفتر پژوهش های فرهنگی، محصولات فرهنگی خود را با ده درصد تخفیف ارابه می کند، به علاوه کتاب تاریخچه انیمیشن در ایران نوشته مهین جواهریان با سی درصد تخفیف به فروش می رسد. غرفه مخصوص دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس هم با طرح ها و پایان نامه های دانشجویان خود از بازدیدکنندگان استقبال می کند.

غرفه آسیفا ایران کلیه منافع فروش خود را به صندوق آسیفا ایران (انجمن سینمایی فیلمسازان انیمیشن) اختصاص داده است. در این غرفه تیشرت هایی با آرم آسیفا به فروش می رسد.

موسسه رسانه های تصویری، فیلم های VHS و VCD را با بیست و پنج درصد تخفیف ارابه می کند.

## کاریکاتورها آمدند

در سومین روز برگزاری جشنواره پویانمایی تهران، نمایشگاهی از ۱۲۲ کاریکاتور در مرکز آفرینش های فرهنگی هنری کانون برپا شد.

در این نمایشگاه کاریکاتورهای برگزیده ایران و جهان که منتخبی از آثار جشنواره بین المللی گل آقا هستند به نمایش در آمده اند.

گفتنی است در همان ساعات اولیه نصب تابلوهای کاریکاتور در فضای جشنواره افراد زیادی از این آثار دیدن به عمل آوردند.

## آقای علمداری چطور شد به فکر انتشار پیلبان افتادید؟

ایده انتشار مجله تخصصی انیمیشن مربوط می شود به شش سال پیش که من، برادرم و یکی از دوستان به این نتیجه رسیدیم که در زمینه انیمیشن نشریه ای تخصصی وجود ندارد. ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی اطراف سابقه خوبی در زمینه انیمیشن دارد و حتی در قیاس با ژاپن و کره هم از نظر زمانی خیلی عقب نیست گرچه مدتی خیلی فعال نبوده و افت و خیزهای فراوان و حتی توقف هایی داشته است. قدمت این صنعت و وجود استعداد های فراوان دلیل اول ما بود. دلیل دوم این بود که انیمیشن، جلوه های ویژه و کامپیوتر سینما را بسیار تحت تأثیر قرار داده و باعث شده مخاطبان از کودک تا بزرگ جذب آن شوند. پس این گستره وسیع واقعاً نیازمند یک مجله تخصصی بود.

فکر می کنید در این چند شماره مجله شما توانسته است جای خودش را بین مخاطبان باز کند؟

در شرایط فرهنگی فعلی جامعه که کار برای مطبوعات نوشتاری پستی و بلندی های زیادی دارد، فکر می کنم تا حدی موفق بوده است.

وقتی به یک حوزه از دید خبری نگاه می شود، جنبه های جدیدی از آن حوزه به چشم می آید و نقاط ضعف و قدرت و کمبود های آن واضح تر دیده می شود. شما در این مدت در حوزه انیمیشن به چه نکات تازه ای برخورد کرده اید؟

آن چه در این مدت کوتاه دیده می شد این بود که علی رغم مشکلات و کمبود امکانات انیمیشن ایران یک دوره رخوت را پشت سر گذاشته و مجدد دارد حرکت می کند. وقتی به حوزه های خبری سر می زنیم، متوجه می شویم که حرکتی شروع شده ولی انعکاس نیافته است. این نشریه هم بازتاب همان حرکت است. این حوزه شدیداً کار حمایتی، پوشش خبری و انعکاس فعالیت ها، تقویت هسته های فعال و ارتباط دادن آنها با مردم نیاز دارد.

پیش آمده مشکلات به فکر وادارتان کند که از ادامه کار پشیمان شوید؟

ما در هر شماره که به چاپ می رسد، برای انتشار شماره بعد با تردید مواجه بوده ایم. در حال حاضر فشار های مختلف به خصوص فشار های اقتصادی وجود دارد که کیفیت را هم تحت تأثیر قرار می دهد. ولی استقبال مخاطبان باعث می شود که ما به ادامه کار امیدوار باشیم.

آیا انیمیشن آن قدر خبر دارد که بتواند مطالب ماهنامه شما را تأمین کند؟

بله و این ما هستیم که قدرت پوشش دادن همه اخبار آن را نداریم. خیلی ها از ما گله می کنند که چرا خبر های آنها چاپ نمی شود. البته ارتباطات هم ضعیف است و کارها مهجور می مانند. صنعت انیمیشن ایران آن قدر اتفاق و تحول دارد که بتواند ما را تغذیه کند.

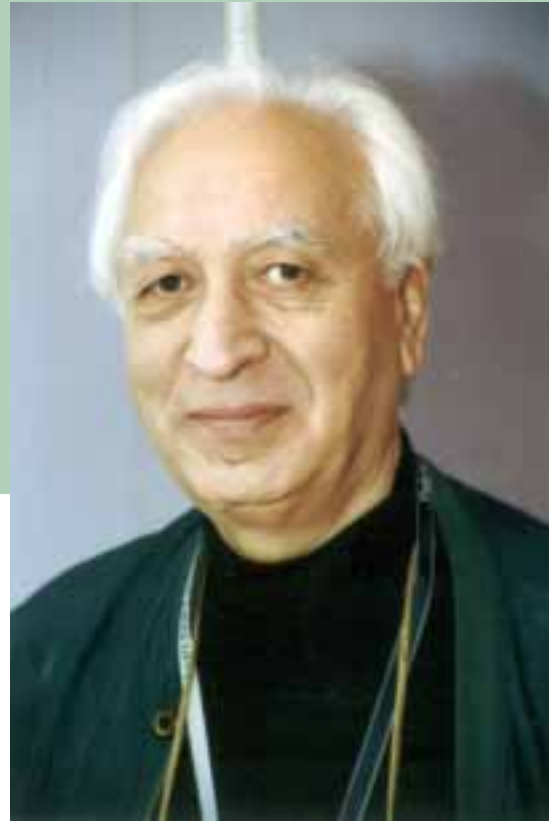
سیاست شما در خصوص پوشش اخبار خارجی و داخلی چیست؟

اخبار داخلی به راحتی از طریق اینترنت با عکس های جذاب در دسترس ماست. مردم هم از طریق CD جدیدترین فیلم های خارجی را می بینند و با آن ارتباط دارند. پس به دلیل منابع اطلاعاتی زیاد و جذابیت ناگزیر هستیم به آنها توجه کنیم، ولی اخبار ایرانی جای کار بیش تری دارد و من از همین جا اعلام می کنم که ما آماده ایم و انتظار داریم هنرمندان حوزه انیمیشن همکاری دو طرفه ای با ما برقرار کنند تا اخبار انیمیشن داخلی انعکاس بهتری پیدا کند.

تا به حال اتفاق افتاده که اخبار خارجی را به خاطر جذابیت بیش تر به داخلی ترجیح دهید؟

برای اخبار داخلی اولویت قایل هستیم و هیچ وقت آنها را کنار نمی گذاریم. اما چون ما حامی مالی نداریم و به جایی وابسته نیستیم، مجبوریم تصاویر روی جلد را از عکس های انیمیشن های خارجی استفاده کنیم. چون انیمیشن ایرانی امکان اکران ندارد، ما نمی توانیم از ترفند آگهی استفاده کنیم. نمی خواهیم به انیمیشن ایرانی توهین کنیم، ولی ما هم باید در حداقل ها تداوم کار را حفظ کنیم.





# زنگوله و پراگ و مقدم

نورالدین زرین کلک

کم کم باهاشان آشنا شدیم و صورتک های خمیر مدوریت Modurit را هم همان جا شناختیم و یاد گرفتیم.

روز اول زنگوله که صدا داد، ما را بردند دفتر معاون وزیر فرهنگشان. دکتر استیبرال Stiberal هم وردست معاون نشست. گنده و گنده دماغ. بیش تر به درد ارتش سرخ یا اداره پلیس می خورد. از آن گردن تبری ها بود که بیش تر دعوت های کانون از هنرمندان چک را به اسم خودش می کرد و می آمد تهران! دور میز درازی نشستیم و تعارفات ابتدایی رد و بدل شد. من هم متقابلاً تشکر کردم اما وقتی در آخر کار می خواستم از مهمان نوازی آنها (آن هتل دلگیر و تاریک بدون تلفن و...) سپاسگذاری کنم، هر چه زور زدم کلمه انگلیسی Hospitality یادم نیامد. با این همه لبخندهای پلاستیکی شان را ادامه دادند و قصور ادبی مرا به رویم نیاوردند. تازه از کجا معلوم، شاید خودشان هم بلد نبودند!

روز دوم زنگوله صدا کرد. با هم صبحانه را خوردیم و رقتیم استودیو. یک نفر راهنما ما را در استودیو گرداند (یعنی تور داد) که همه اش شوق انگیز بود جز دیدار با رییس استودیو. مردی استخوانی و بی لبخند که برای استقبال از هیاتی به این محترمی حتی از پشت میزش هم جلو نیامد.

اگر چکسلواکی همسایه افغانستان بود، می گفتم لابد در تریاکش تأخیر شده.

الحمدلله انگلیسی هم بلد نبود (که آبروی ما یک بار دیگر به باد برود) سهل است که حرف زدن خودش را هم نمی دانست. پرسیدیم آقا چند تا فیلم ساخته اند تا کمی چاپلوسی کنیم گفتند آقای رییس که فیلمساز نیست. گفتیم پس چه هستند؟ گفتند فقط رییس. شاید هم عضو حزب

منجمد برنزی سر پا نگه داشته است... این ها همه به جای خود، اما وجیه الله فرد مقدم برای دیدن آنها به پراگ نرفته بود.

او و عبدالله علیمراد و من رفته بودیم تا انیمیشن عروسکی را یاد بگیریم و برگردیم فیلم عروسکی بسازیم.

آنها دانشجوی دوره اول (و آخر) مدرسه انیمیشن بودند و البته دانشجویان برتر آن دوره. سال ۱۳۵۳ بود.

مدرسه انیمیشن - که نه، اسم اصلی اش «مرکز تجربیات انیمیشن» بود - یک سال پیش تر راه افتاده بود و از بین هزار و دویست داوطلب دوازده تا شاگرد گرفته بود.

وجیه الله فرد مقدم شاگرد اول شده بود. او اصلاً و قبلاً انیماتور بود و چند فیلم تبلیغاتی هم ساخته بود. این بود که عملاً در مقام معاون مدرسه و کمک استاد قرار می گرفت. وقتی او و عبدالله علیمراد دو نفری فیلم عروسکی پیرزن و دیو را ساختند، شایستگی خود را برای رفتن به مکتب ییری ترانکا پیر طریقت و مرشد انیمیشن عروسکی اروپا نشان دادند.

استودیوی ییری ترانکا با هتل فاصله زیادی نداشت و می شد پیاده هم رفت.

ساختمانی کهنه - مثل همه ساختمان های پراگ - داشت، عوضش حسن های ساختمان های قدیمی را هم داشت: بزرگ بود، سقف های بلند داشت با اتاق های زیاد.

ترانکا خودش دو سه سال پیش رخت به دیار باقی کشیده بود و ماترکش مانده بود، برای شاگردانش. در همان ساختمان بزرگ قدیمی چند کارگردان با گروهشان در چند استودیو، درگیر تولید چند فیلم کوتاه و بلند با فستپالی و تلویزیونی بودند. همچنین بخش های اسکلت سازی، خیاطی، دکور سازی و صورتک سازی داشتند که

اتاق من طبقه سوم بود و آنها طبقه چهارم اتاق داشتند. اصلاً دست ما نبود. این طور مقدر شده بود. خیلی فرق هم نمی کرد... اما چرا، یک فرقی می کرد؛ اگر هم طبقه بودیم آسان تر همدیگر را می دیدیم، اما این جوری... مشکل ارتباط داشتیم. تلفن داخلی هم که نداشتیم. این بود که برای این که بگوییم «مقدم بیا بریم قدم بزنیم» باید یک طبقه بالا پایین برویم...

هتل از آن ساختمان های قدیمی تاریک بود که در اروپا همه جا پیدا می شود و بیش تر از هر جا؛ در کشورهای اقمار شوروی سابق؛ فقیر و عقب افتاده. حالا اگر از بد حادثه، در دو طبقه ی جدا بودیم، باید شاکر می بودیم که اتاق هامان - آن هم از خوش حادثه - بالای هم یا زیر هم افتاده بود!

یک روز که در اتاق نشسته بودم دیدم یک زنگوله از آسمان فرود آمد و جلوی پنجره من ایستاد!

با کنجکاوای سرم را درآوردم تا آسمان را نگاه کنم. اما در آسمان بالای پنجره من، دو تا صورت خندان به من زل زده بودند: ناگهان شدیم سه تا صورت خندان. اختراع مقدم و علیمراد از کشف پنی سیلین و فرمول نسبت انیشتین هم مفیدتر بود چون که حالا زنگوله را تکان می دادم و با هم می رقتیم قدم می زدیم! یا آنها زنگوله را تکان می دادند و با هم شام می خوردیم. پراگ با همه فقر و مسکنت کمونیستی اش شهر زیبایی بود. می گفتند پاریس اروپای شرقی است. پر بیراه هم نمی گفتند. آن رودخانه وسط شهر که مثل ماری می پیچید و می گذشت، آن تپه بلند که کاخی بالایش جلوه می فروخت، آن خانه کوچک که کافکا در آن مسخ را نوشت، سر آن ساعت سیصد ساله که سر هر ساعت همراه با ضربه های آهنگین دوازده تا مرد کوچولوی آهنی از آن بیرون می آمدند و برج ساعت را دور می زدند و آن میدان وسط شهر که «مارتین لوتر بیناگذار پروتستانیزم» و هوادارانش را در قالب



از راست: فردمقدم، علیمراد، آزادانی

می خوردیم.

گولدش، همان آبگوشت چکی است که توی کتاب‌های میلان کوندرا ذکر شده. هم خوشمزه است و هم ارزان.

بعد از کار، عصرها گاهی در خیابان اصلی شهر به نام والکوفسکی نارودنی قدم می‌زدیم (نارودنی یعنی ملی. بعضی از هنرمندانشان را هم افتخاراً نارودنی می‌خواندند، از قبیل همین ترانکا) و از دهکده‌های کنار خیابان سوسیسیس‌های کلفت پرچربی می‌خریدیم و می‌خوردیم که تا روز بعدش نمی‌توانستیم غذا بخوریم.

این همان خیابانی بود که در جریان نهضت استقلال چک (۱۹۶۸) یک جوان دانشجوی در آن خودسوزی کرد و منجر به برکناری دوبچک رهبر ملی چکسلواکی توسط ارباب کرملین شد.

زنگوله به انجام وظیفه هر روزه خود مشغول بود و مقدم و علیمراد و من نیز.

اما گاهی نیز بی‌خبر زنگوله، من با پرویز دوابی - که تازه آمده بود و برای همیشه ماندگار شد - بیرون می‌رفتیم که شرح آن تفصیل دیگری دارد.

از آن تاریخ نزدیک سی سال می‌گذرد؛

وجیه‌الله فرد مقدم دانشجوی جوان و پرشور، مردی میانه‌سال و پخته شده است.

این سال‌ها بر او آسان نگذشت. اوج و حضيض‌های متعدد را پشت سر گذاشت: در جوانی دندان‌هایش را یک‌جا کشید بعد برنج فروشی کرد. سپس عارف شد و عاقبت به کامپیوتر رو آورد و چند تجربه خوب هم از خود به جا گذاشت. با ورود به هر مرحله سنی و یا سفارش یک فیلم شوقی در او شعله‌ور می‌شد و او را با خود می‌برد. وقتی مرا می‌دید با هیجان از پروژه‌هایش تعریف می‌کرد، اما در دیدار بعدی سرد و افسرده بود... چون پروژه‌اش بر باد رفته بود.

مقدم سال‌هاست عضو آسیفاست و به عنوان معتمد نیک نفس این انجمن، داور حل اختلافات آسیفا در خانه سینماست.

او بی‌چشمداشت و بی‌جنجال اما با صداقت و وظیفه‌اش را ادا می‌کند.

اما من همیشه از خود می‌پرسم آیا او نمی‌توانست به جای یک فیلم، پنجاه تا فیلم درخشان مثل لی‌لی‌لی حوضک در کارنامه خود داشته باشد. حتماً می‌توانست.

## فاصله میان دو نسل

گفتگوی اختصاصی با خوان پابلوزاراملا

خوان پابلو زاراملا انیماتور آرژانتینی از معدود افرادی است که دو فیلم در بخش مسابقه بین‌الملل دارد. با او گفتگوی کوتاهی داشته‌ایم که می‌خواند:

آیا شما قبول دارید که سینمای پویانمایی می‌تواند به پیشبرد صلح و گفتگوی بین‌تمدن‌ها کمک کند؟

بله، من اعتقاد دارم که جمله‌های متعددی را می‌توان در این زمینه به کار گرفت. جالب است که برخی از مواقع هنر زبان را قابل فهم‌تر می‌کند و حتی می‌تواند اختلاف و فاصله بین دو عقیده یا دو نسل را از میان بردارد.

آیا در مورد جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران اطلاعاتی دارید؟

برای اولین بار سال گذشته یک نامه الکترونیکی از جشنواره برای شرکت کردن در آن دریافت کردم. با این حال چیزهای زیادی در مورد آن نمی‌دانستم و تصمیم گرفتم فیلم‌هایم را برای شرکت در آن ارسال کنم، زیرا من همیشه به این مساله می‌اندیشم که می‌توانم مردم دیگری را هم که دارای فرهنگ‌های مختلفی هستند با فیلم‌هایم آشنا کنم.

آیا مطلبی در فیلم‌تان وجود دارد که قبلاً نگفته باشید و بخواهید شرکت‌کنندگان در این جشنواره از آن مطلع شوند؟

حتی با وجود این که قبلاً فیلم‌های پویانمایی دیگری ساخته‌ام، ولی فیلم جدال با مرگ را اولین فیلم کوتاه خودم می‌دانم، زیرا اولین تولید مستقل من در شرکتی است که به خودم تعلق دارد. از سوی دیگر، فیلم دستکش یک گام مهم در فعالیت‌های حرفه‌ای من به شمار می‌آید، زیرا ساختار بسیار پیچیده‌تری نسبت به سایر آثارم دارد و از این که زبانی بین‌المللی دارد، به آن می‌بالم و از آن احساس غرور می‌کنم.

این روزها به چه کاری مشغول هستید؟

در حال حاضر برای ساخت پروژه‌ای که فکر کنم بسیار بلند پروازانه است، به دنبال حمایت مالی می‌گردم. این یک فیلم کوتاه است که می‌خواهم نام آن را سفر به مریخ بگذارم و زمان آن بین ۱۰ الی ۱۵ دقیقه است. قصد دارم با عروسک‌های پلاستیکی و با استفاده از تکنیک استاپ‌موشن آن را بسازم. این فیلم داستان بسیار ساده و بی‌پیرایه‌ای دارد.





از راست : بلیمراد، فردمقدم، آزادانی

## دنبال معنی نباشید

گفتگوی اختصاصی با آدریان لوکمان

انیمیشن در بین سایر شکل های هنری چه جایگاهی دارد؟

فکر کنم همه شکل های هنری با هم مساوی هستند. البته هر کسی برای خودش گونه ای را ترجیح می دهد. برخی از شکل های هنری قابلیت ارتباطی بسیار بهتری با مخاطب دارند و در این میان پویانمایی می تواند یکی از قوی ترین شکل های هنر و ارتباط محسوب شود. درست همان طور که در دوره استبدادی کمونیسم در روسیه شاهد آن بودیم. و بالاخره این که همه چیز هنر نیست، ولی به راستی چه کسی باید تشخیص دهد و تعیین کند که چه چیزی هنر است؟ امیدوارم پویانمایی به گفتگوی بین انسان ها، فرهنگ ها و تمدن ها کمک کند، ولی من هرگز راجع به قوی یا ضعیف تر بودن قابلیت های آن نسبت به سایر شکل های هنری نمی اندیشم.



از سینمای پویانمایی ایران چه می دانید؟ باید اعتراف کنم که درباره سینمای پویانمایی ایران اطلاعات چندانی ندارم و این شاید اندکی شرم آور باشد. بسیاری از مسایل کشور شما همواره برای من به صورت رمز و راز بوده است. چون فرهنگ های ما کاملاً با هم متفاوت هستند. امیدوارم همه از دیدن فیلم بارکد لذت ببرند. به دنبال معنی فیلم نباشید، ولی سعی کنید از حرکت و زیبایی های نور لذت ببرید.

این روزها به چه کاری مشغول هستید؟ هم اکنون دارم روی دو فیلم جدید کار می کنم، که یکی از آنها درباره ابرهاست و دیگری راجع به گاوها، چمن و علفزارهاست. من فیلم دوم خودم را سال گذشته تمام کردم. اسم این فیلم خردکن است. اطلاعات بیش تر درباره این فیلم را می توانید در سایت های متعددی پیدا کنید. همچنین دارم روی یک نسخه زنده از فیلم بارکد کار می کنم. این فیلم در بهار امسال به صورت DVD به بازار عرضه می شود. امیدوارم جشنواره شما خوب برگزار شود. خوشحالم که بارکد در این جشنواره به نمایش در می آید و به آن افتخار می کنم.

در پاییز سال ۱۳۵۳ یک آگهی در روزنامه ها چاپ شد مبنی بر این که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان قصد دارد مرکزی را برای آموزش سینمای نقاشی متحرک دایر کند و از طریق آزمون ورودی تعدادی هنرجو را برای تحصیل در این مرکز بپذیرد.

در زمستان همان سال هزار نفر از علاقه مندان به انیمیشن در آن آزمون ورودی شرکت کردند و چهارده نفر از بین آنها پذیرفته شدند. نفر اول آزمون ورودی یعنی کسی که بالاترین نمره را در این کنکور احراز کرده بود و جبهه الله فرد مقدم بود. او در بین شاگردان آن کلاس شاخص بود، زیرا قبلاً انیمیشن را تجربه کرده بود و در فضای محدود آن زمان فیلم انیمیشن تبلیغاتی قابل قبول ساخته بود. ما او را مقدم صدا می کردیم. مقدم در طراحی و متحرک سازی مافوق شاگردان کلاس بود. او با عشق و علاقه در کلاس حضور پیدا می کرد و در طول یک سال و نیم آن چه از تکنیک انیمیشن نمی دانست یاد گرفت و هنوز فارغ التحصیل نشده بود که فیلم مزاحم ها را ساخت، مزاحم ها در زمان خودش یکی از حرفه ای ترین فیلم های انیمیشن ایران بود. در آن سال ها مقدم به این تفکر رسیده بود که برای تبدیل شدن به یک فیلمساز آگاه و استثنایی تنها داشتن تبحر در فن کافی نیست و باید درون خودش را متحول سازد. به این دلیل بود که به زندگی ساده، خام خواری و دنیای معرفت روی آورد.

بعد از رسیدن به این تفکر جدید فیلم تقلید را

ساخت که یک انیمیشن قابل توجه است. بعد از انقلاب مقدم بر اساس شعر مولانا فیلمنامه بازگشت را نوشت، به گفته مسئولین و صاحب نظران در آن زمان این فیلمنامه یکی از بهترین فیلمنامه هایی بود که برای انیمیشن تا آن زمان نوشته شده بود، مقدم دست به کار ساختن بازگشت شد و با وسواس زیاد که جزو خصوصیاتش بود بعد از صرف وقت بسیار آن فیلم را ساخت و بسیار مورد توجه مجامع هنری انیمیشن قرار گرفت.

مقدم در فضای کوچک نمی گنجید. او بلند پرواز بود. اوایل ورود کامپیوتر به دنیای انیمیشن اولین انیماتور قدیمی بود که جسورانه به سمت کامپیوتر رفت. در آن زمان جوانان مستعد زیادی با کامپیوتر کار می کردند و انیمیشن های زیبایی پدید می آوردند ولی آن چه مقدم با کامپیوتر می ساخت رنگ و بوی دیگری داشت. یکی از خصوصیات مقدم این بود که وقتی در مقام منتقد قرار می گرفت بدون رودروایستی و پرده پوشی حرف دلش را می زد و همین باعث می شد که به نظر برسد مقدم برخورد تلخی دارد، ولی آن تلخی مثل تلخی دارو شفا بخش بود. مقدم بدون مبالغه یک هنرمند استثنایی است. وقتی او دست به قلم می برد، هیچ کس به گردش نمی رسد. و امروز... امروز باید چنان راه را برای مقدم باز کنیم که با آسودگی خیال خالق آثاری مثل بازگشت و لی لی لی حوضک باشد.

وقتی وارد کانون و دنیای انیمیشن شدم، برخورد آقای فرد مقدم با من، برخوردی متفاوت و اساسی بود. جسارت، نوآوری، طنز، خلاقیت، تخیل و تفکر در کارهای ایشان برایم جذاب و مبهوت کننده بود.

از خصوصیت های بارز ایشان در دورانی که افتخار شاگردی شان را داشتم، این بود که هر آن چه را که می دانست بی دریغ به علاقه مندان انتقال می داد و بی تفاوت از کنار چیزی نمی گذشت.

اکنون پس از گذشت سال ها، وقتی به آن دوران، نگاه می کنم، با وجود سختی ها، لبخندی حاکی از رضایت در خود احساس می کنم. احساسی که هرگز فراموش نخواهد شد.

## بی دریغ و جسور

فرخنده ترایی

# باد سوزان جزیره هنشو

فائز علیدوستی



فروش را در ژاپن کسب کرد. آخرین تولید استودیو گیپلی با نام شهر اشباح که به چهار زبان ژاپنی، انگلیسی، فرانسه و آلمانی ارایه شده است، بیش از ۲۲ جایزه داخلی و خارجی را کسب کرده و در آخرین پله افتخار خود امسال نامزد دریافت جایزه اسکار گردیده است. این فیلم یک داستان ماجراجویانه است. اگر چه شخصیت‌های آن به سلاح‌های گوناگون مجهز نشده‌اند و در نبرد از نیروهای فوق طبیعی بهره نمی‌گیرند.

میزاکی می‌گوید: "این فیلم داستان رویارویی نیکی و پلیدی نیست، بلکه داستان دختر بچه‌ای است که به دنیایی وارد می‌شود که در آن خیر و شر در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و او در آن جا می‌آموزد که دوستی و از خود گذشتگی چیست. او با استفاده از نیروی اراده و هوش خود زنده می‌ماند و سرانجام راه خود را برای خروج از آن دنیا و بازگشت به زندگی عادی پیدا می‌کند. نه به این دلیل که پلیدی از بین می‌رود و آن دنیای اسرارآمیز نابود می‌گردد، چرا که پلیدی هرگز نابود نمی‌شود. بلکه به این دلیل که او قدرت پایداری و بقا را کسب کرده است.

دنیای امروز دوگانه و مغشوش شده است و در عین حال متجاوز و مصرف‌کننده و هدف اصلی این فیلم تشریح جهان فعلی در یک فرم کاملاً فانتزی است."

## سومین جشنواره بین‌المللی پویانمایی تهران

صاحب‌امتیاز: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان  
به کوشش: مهدی فرودگاهی  
همکاران: نادر افشاری، مریم فرودگاهی، نغمه دانش، لیلی ثابتی، روبرت صافاریان  
بخش انگلیسی: امید نیک فرجام  
ویرایش و نمونه خوانی: مینا فرودگاهی  
گرافیک: علیرضا کاشی  
حروفچینی: مریم قربانی نیا  
لیتوگرافی و چاپ: کانونچاپ  
نشانی الکترونیکی نشریه:  
newsletter@tehran-animafest.com

ژاپن را به عنوان بهترین فیلم از آن خود کرد و نام خود را در تاریخ سینمای ژاپن با فروش بیش از ۱۵۰ میلیون دلار برای یک فیلم خانگی ثبت کرد. هر چند شهر اشباح رکورد آن را شکست. استودیو گیپلی تاسیس شد تا فقط فیلم‌های بلند سینمایی تولید کند و نه مجموعه‌های تلویزیونی. میزاکی می‌گوید: "این ریسک بزرگی است که روی فیلمی سرمایه‌گذاری کنید در حالی که مطمئن نیستید که آیا در گیشه موفق خواهد بود یا نه."

امروزه بسیاری از تولیدات بلند و سینمایی در ژاپن از یک پشتوانه تلویزیونی برخوردار هستند. یعنی استودیوهای تولید کننده آن اثر چندین سال درگیر تولید مجموعه‌های تلویزیونی آن بوده‌اند و بازتاب عمومی آن را دریافت کرده‌اند. بنابراین با جرأت بیش‌تری به سمت تولید پروژه سینمایی آن می‌روند. بد نیست بدانید که در حال حاضر در کشور ژاپن هر هفته به طور متوسط چهار مجموعه تلویزیونی انیمیشن در حال تولید است.

میزاکی ادامه می‌دهد: "اما ما از استودیو گیپلی اساساً بر این کار گذاشتیم که درگیر تولید مجموعه تلویزیونی نشویم و صادقانه بگویم اصلاً تصور نمی‌کردیم که استودیو این قدر عمر کند. گفتیم یک فیلم می‌سازیم. اگر موفق شد فیلم بعدی را می‌سازیم و اگر شکست خورد، در استودیو را می‌بندیم. به همین دلیل ما کارمند و پرسنل زیادی به طور ثابت نداریم. معمولاً بین هفتاد تا صد نفر برای انجام یک پروژه بزرگ موقتاً استخدام می‌شوند که تقریباً! شصت درصد این افراد در بخش متحرک‌سازی کار می‌کنند و پس از اتمام پروژه هر کسی تا پروژه بعدی پی کار خودش می‌رود. استودیوی ما هم یک آپارتمان اجاره‌ای نه چندان بزرگ در محله کیچی جوجی در حومه توکیو است. بدین ترتیب تولیدات استودیو گیپلی تا کنون هم از نظر کیفیت و هم از نظر بازگشت مال موفق بوده است. حتی در بعضی موارد این موفقیت غیر قابل پیش‌بینی بوده است. به عنوان مثال فیلم پورکو در سال ۱۹۹۲ با وجود رقیبانی مثل هوک ساخته دسپیلبرگ و دیو و دلبر محصول دیسنی رتبه اول

هایائو میزاکی یکی از بزرگ‌ترین انیماتورها و کارگردان‌های انیمیشن در کشور ژاپن است. کشش و جذابیت راست‌نما، متحرک‌سازی زنده و شخصیت‌های قابل قبول و جا افتاده در فیلم‌های او را نه تنها در کشور ژاپن بلکه در سطح بین‌المللی صاحب نام کرده است. میزاکی در سال ۱۹۴۱ در شهر توکیو متولد شد و در ۲۲ سالگی کارش را به عنوان انیماتور در استودیو تویی دوگا شروع کرد.

در سال ۱۹۷۱ به همراه ایسائو تاکاهاتا که بعدها بهترین همکار و شریکش شد، به ای پرو و سپس در سال ۱۹۷۳ به نیپون انیمیشن رفت؛ جایی که در آن به مدت پنج سال شدیداً درگیر تولید مجموعه انیمیشن‌های تلویزیونی بود. در سال ۱۹۷۸ او اولین سری تلویزیونی خود را با نام کتان پسر آینده کارگردانی کرد و در سال ۱۹۷۹ به توکیو مروی شینشار رفت. جایی که اولین فیلم بلند خود را با نام قلعه‌ای در آسمان ساخت.

او در سال ۱۹۸۴ فیلم نازیکای دره باد را بر اساس یک مانگای ژاپنی مخلوق خودش و با همین نام عرضه کرد. موفقیت این فیلم او را به سمت تأسیس یک استودیوی انیمیشن در سال ۱۹۸۵ سوق داد.

کلمه گیپلی به معنی باد سوزانی است که در ساحارا می‌وزد این نامی بود که در جنگ دوم جهانی خلبانان ایتالیایی برای هواپیماهای پیش‌آهنگ خود از آن استفاده می‌کردند و میزاکی که دیوانه‌وار عاشق هواپیما بود، این را می‌دانست و تصمیم گرفت تا این کلمه را به عنوان نام استودیوی خود برگزیند.

میزاکی و ناکاهاتا از سال ۱۹۸۵ همکاری و شراکت خود را در استودیو گیپلی بنیان نهادند و نزدیک به هجده سال پروژه‌های زیادی را نوشته، کارگردانی و تولید کرده‌اند. تقریباً همه این فیلم‌ها تحسین منتقدان را برانگیخته‌اند و علاوه بر کسب جوایز متعدد از فروش جنبی هم برخوردار بوده‌اند.

به ویژه شاهزاده مونونوکه که جایزه اول آکادمی



# FESTIVAL CARICATURES

In the 3<sup>rd</sup> day of this year's festival, 122 caricatures were put on display in the Kanoon Center for Cultural/Artistic Creations. The caricatures have been selected from among the Iranian and foreign works that took part in Gol-agma International Festival, and are well received by the audience in the festival.

DAILY BULLETIN  
3<sup>rd</sup> Tehran International Animation Festival 2003

26 Feb, 2003

## PEOPLE IN 3<sup>rd</sup> TIAF

In the past 3 days that the 3<sup>rd</sup> TIAF has been on, the people have been very enthusiastic for taking part in the programs and watching the films so much so that some of the audience watched their favorite films while standing. It seems that the sections Festival of Festivals, Spectators' Selection, and International Competition have been the most popular so far in the festival, and the presence of prominent foreign feature films may be one reason for their enthusiasm.

It should be noted that the programs begin every day from 8.30 AM to 1 AM in the following morning, and the movie theaters run 77 sessions of screening each day.

## STUDENTS IN FESTIVAL

The students of Tehran schools have been present from the very first day of the 3<sup>rd</sup> TIAF in Kanoon Cinema for watching movies. This movie theater is the screening place for short and feature films like *Spirited Away*, *The Magic ring*, and *The Sun of Egypt*, and other films from different sections of the festival. The interest the students show for the animated works screened in the festival signifies the importance of animation for children and adolescents.

The students also have so far been greatly interested in watching the Iranian animated works so much so that they have asked for their re-screening.



## LIVE DOLLS IN WORKSHOP



In the wax dolls workshop for the Kanoon instructors from all over Iran supervised by Abdollah Alimorad, the instructors have learnt to make the head, neck, hand, and foot for a doll, so the dolls are coming to life step by step. This is the 4<sup>th</sup> day of the wax dolls workshop that is going to continue for the rest of the festival.

## A GREAT OPPORTUNITY

*AN INTERVIEW WITH PROFESSOR  
DAVID CHANG, THE HONORARY  
GUEST OF THE 3<sup>rd</sup> TIAF*

**How did you find the Iranian animated works?**

I enjoyed the ones I have seen so far, and I was even amazed by them. The films are made with different methods on different subjects, and they all have originality. The relationships between the characters of the films were also interesting.

**What do you think of them from the point of view of animation technology?**

I haven't seen all the films, but the ones I saw were not much technology-based. There were also films like *I Found It Myself* that had interesting plots and were beautifully done.

**Some old animators believe that using computers in making animated films has ruined the originality of this art.**

Computer and digital instruments are only new means for making animated works, and do not have anything to do with the essence of animation. The animator's thought and attitude are still the main source for the work. I think that manual and computer design should be intermingled.

**What is your opinion about this festival?**

It's a great opportunity! I think Tehran is the only place where we can see these animated works. We don't have access to these films on TV or video, so this festival is the best place for watching the Iranian animated films.